

رفقا و مسئولین محترم " قطب نما " ؛

نخست از همه دست های مبارزتان را با گرمی خاص می فشارم...

سوال هایی داشتم : چرا احزاب اسلامی مجاهدین، بعضا اشخاصی را به جریانات چپی مثل " شعله جاوید" نسبت میدهند که اصلا افتخار تعلق بدان را نداشته و نمیتوانند داشه باشند؟! اگر آنها در گذشته، نسبتی هم با " چپ " داشتند، ولی اینک همه می بینند که ایشان به هر دلیلی که است - عدم اندیشه راسخ، یا جاه طلبی های شخصی - از مسیر انقلاب منحرف و بر ضد مردم و میهن خویش، عمل می نمایند!

چرا احزاب مجاهدین، پیرامون جریانات چپی تبلیغات غیر واقع بینانه و نادرستی را براه انداخته و همواره کوشیده و میکوشند تا مشخصا " شعله پی " ها را در ذهنیت مردم بکوبند؟! در حالیکه برکسی پوشیده نیست که این همین احزاب گوناگون مجاهدین، طالب ها و همکیشان خلقی و پرچمی شان هستند که، مرتکب هرنوع ظلم، خیانت و جنایتی در حق مردم مظلوم و وطن عزیزمان گردیده اند! آیا میشود که بدین شکل با خاکپاشی به چشم مردم، خود شان را از دید آنها، و از قضاوت تاریخ برهانند؟! ...

با درود های رفیقانه؛ پیروز باشید!

ف . ح از هالند

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

دوست گرامی ف. ح ؛

از ارسال نامه توأم با مبلغ ۱۰ یورو کمک رفیقانه شما سپاسگذاریم؛

چنانچه خودتان هم متذکر شده اید، تا کنون مطالب روشنگرانه زیادی در " قطب نما " به نشر رسیده که همه، بنأسی از مشی مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی " جبهه... " و در خدمت آن، موضوع مطرح شده در نامه شما را نیز، از زوایای گوناگونی به بحث و ارزیابی گرفته اند. از اینجاست که در پاسخ به پرسش های شما، نمی خواهیم که بازهم با درنگ بر برخی از خصایص بنیادی ایکه احزاب ارتجاعی اسلامی بدان تشخص یافته، و مردم همه را در طی همین سه دهه اخیر از حیات سیاسی جامعه، به تجربه دریافته اند، مطالب و بیاناتی از شماره های قبلی را در اینجا تکرار نماییم؛ اینکار البته نه لازم است و نه مقدور.

اما اینکه چرا همین احزاب جهادی، در قبال نیروهای چپ انقلابی و از جمله " شعله پی ها " ، همواره مواضع خصمانه داشته؛ تبلیغات غیر واقعی و نادرست نموده؛ و هر آنگاهی هم که برایشان میسر گردیده است، از ترور و کشتار شان نیز هرگز امتناع نورزیده اند، می خواهیم بعرض برسانیم :

در یک جامعه و جهان طبقاتی، هر فکر، سیاست و حرکتی در یک کلام، هر اندیشه و عملی، طبیعتاً خصلت طبقاتی داشته و بناگیز در خدمت این و یا آن طبقه یا طبقات اجتماعی و منافع شان قرار میگیرد؛ این یک قانون عام و جهانشمول بوده و هیچ استثنایی را هم نمی پذیرد. اما تبلیغات خصمانه توأم با کاربرد جعل، تزویر، دروغ و توطئه، همواره ابزاری بوده و میباشند اساسی بدست ارتجاع که برای فریب توده ها و در نتیجه، برای تحقق اهداف و منافع ارتجاعی خودشان از آن استفاده می نمایند.

در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق، و از همان آغاز به عینه دیده شد که، هر فکر، اعتقاد، گردهمایی و حرکت اعتراضی مخالفین که اکثریت مردم کشور را شامل میگردید، نه فقط اغواگرانه بعنوان کار و فعالیت (ضدانقلاب، اشرار و عوامل خارجی ...) تبلیغ و محکوم می شد، بلکه همچنان آنرا با بی رحمانه ترین شکل و شیوه های عریان فاشیستی سرکوب هم می نمودند، که داغ بار سنگین و نتایج اسفبار آن را نه تنها نسل کنونی، که نسل های آینده کشور هم، برای همیشه باید بدل داشته و با خود حمل نمایند! بنأسی از همین سیاست و روش بوده است که نیرو های ارتجاعی اسلامی هم بلا استثنا، چه در دوران جهاد، و چه در تحت حاکمیت تئوکراتیک اسلامی شان - جمهوریت اسلامی جهادی ها و امارت اسلامی طالب ها - عمل نموده، و همواره کوشیده اند تا مخالفین سیاسی خود شان را در اذهان عامه مردم، نه فقط بنام های کمونیست، ملحد، بیدین، ملی، دموکرات و حتی مسلمان غیر اصیل کوبیده و تشهیر نمایند، بلکه چنانچه گفته شد، از هیچگونه توطئه، ترور و تصفیه فیزیکی شان هم فروگذار نکنند!

با گزینش همین سیاست و روش عملی است که دولت دست نشانده کرزی هم با مخالفین سیاسی خودش رفتار نموده، طوریکه هر حرکت اعتراضی درقبال خودش و اربابان اشغالگرش را، بی محابا به تروریست های القاعده و طالب و دیگر "دشمنان افغانستان" نسبت داده، و میکوشد آنرا به کمک، حمایت و مداخله مستقیم ارتش های اشغالگر و با کاربرد تمامی ابزار های ممکنه سرکوب نماید، که تازه ترین نمونه این تبلیغ خصمانه و دروغین و این خشونت عریان فاشیستی لشکر امپریالیسم و ارتجاع را در همین تبلیغ و سرکوب خونین تظاهرات دوشنبه 29 ماه می مشاهده نمودیم!

پس جعل، تزویر، شایعه پراگنی، توطئه و بلاخره قهر فاشیستی، محتوای اصلی کارنامه های عملی و رسوای همه همین جناح های مختلف ارتجاع افغانستان و براین مبنا، بخشی اساسی از تاریخ سیاسی سه دهه اخیر جامعه را میسازد؛ این واقعیتی است عینی و اثباتی که هر هموطن درد دیده، با احساس، با وجدان بیدار، آزادیخواه و میهن پرست بدان وقوف داشته و بی تردید آنرا، بگونه شما تصدیق می نماید.

از اینجاست که نمیشود و نباید از همه همین جناح های شناخته شده ارتجاع افغانستان انتظار داشت که در قبال نیروهای "چپ انقلابی" و از جمله شعله پی ها، یعنی در قبال همه آنانیکه در موقعیت کنونی، برای امر استرداد استقلال و آزادی ملی، تحقق دموکراسی مردمی و عدالت اجتماعی - آنچه که نیرو های "چپ" اساساً بدان تشخص مییابند - مواضع خصمانه و ضد انقلابی نداشته باشند! پس آنها کماکان و در هر فرصتی خواهند کوشید تا با استفاده از تمامی ابزار و وسایل توطئه و تزویری که در اختیار دارند، بر ضد مخالفین خود شان بویژه بر ضد نیرو های انقلابی جامعه تبلیغ نموده تا بدینوسیله بتوانند اذهان عامه مردم را از وابستگی، مزدوری، وطنفروشی و دیگر جنایات شان و بنابراین، از

خواست ها و نیاز های اساسی مردم در مرحله کنونی که در رأس همه، همانا مسئله استقلال افغانستان و آزادی ملی مردم ستمدیده کشور قرار دارد منحرف سازند!

اما در این نظر، ما با شما کاملاً هم‌نوا می‌باشیم که آنها هرگز نخواهند توانست با خاکپاشی بچشم مردم، خودشان را برای همیشه از دیده بصیرت ایشان پنهان، و از قضاوت بیرحمانه تاریخ برهانند! زیرا معیار قضاوت تاریخ، اعمال انسان‌ها می‌باشد؛ تبلیغات عوام‌فریب احزاب اسلامی مجاهدین هرچه باشند، ولی مردم درد دیده و وفا شعار کشور و تاریخ آینده، بر عملکرد های آنان و هر کس دیگری، بحق قضاوت خواهد نمود.

البته در این شکی نیست که عده‌یی از شعله‌یی‌های شناخته شده سابق که خودشان را "چپ"، آزادیخواه و میهن پرست معرفی می نمودند، اینک نه فقط در بالاترین پست های دولت دست نشانده کرزی، بلکه در تمامی ارگان های آن مشغول کار بوده و بدینسان، با امپریالیست های اشغالگر و ارتجاع خادم شان، یعنی با مزدوران تازه بدوران رسیده امریکا، جهادی ها، خلقی ها و پرچمی ها و حتی عناصری از طالب ها... علیه منافع و مقدرات کشور همسویی و همکاری می نمایند؛ گذشته "چپی" و شعله‌یی آنها هر چه باشد، ولی اینک می بینیم که آنها هم، در همسویی با همه جناح های دیگر ارتجاع و وطنفروش و بیگانه پرست، نه فقط علیه منافع خلق های ستمدیده و زحمتکش کشور، که بر ضد امر استقلال و آزادی آن نیز عمل نموده و بنابراین، آنها هم بدون شک در تمامی خیانت ها و جنایاتی که اینک در حق ملت و کشور میشود سهیم بوده و تاریخ بر این کارنامه های سیاه آنان هم قضاوت خواهد نمود. احزاب اسلامی، چنانچه ملاحظه می نمایم، نه با همین عناصر خیانت پیشه شعله‌یی سابق، و نه با خلقی ها و پرچمی ها، هیچ کاری ندارند، زیرا آنها همه در یک صف واحد و در خدمت اربابان مشترک، علیه منافع مردم و کشور عمل می نمایند؛ کین توزی و دشمنی احزاب اسلامی مجاهدین و دیگر دشمنان افغانستان بنابراین، با آن شعله‌یی ها و دیگر نیرو های چپ انقلابی می‌باشد که ضد هر نوع وابستگی، وطنفروشی و مزدوری به بیگانه بوده و در حرف و عمل، برای امر استرداد استقلال، آزادی، دموکراسی مردمی و عدالت اجتماعی مبارزه نموده و می نمایند. راستش را بپرسید، این دشمنی و این عقده دیرینه آنها، ریشه‌یی بسیار عمیق داشته و برای هر انسان آزادیخواه و انقلابی هم، قابل فهم می‌باشد. موفق و کامگار باشید!

**قطب نما**

